**نامه های تاریخی: سه نامه از میرزا ابوالحسن خان ایلچی**

**قائم مقامی، جهانگیر**

نامه‏های تاریخی: سه نامه از میرزا ابو الحسن خان ایلچی‏ بقلم:سرهنگ مهندس جهانگیر قائم مقامی

میرزا ابو الحسن خان ایلچی از مصادر امور و رجال دربار فتحعلی شاه قاجار و جانشین‏ او محمد شاه است که بارها بسفارت بدربارهای اروپایی رفته و سالها بوزارت اول خارجه منصوب‏ بوده است.ترجمهء احوال او کم‏وبیش در برخی از کتابها و بعض از مجلات ذکر شده و مبسوطتر از همه مقاله‏ایست که آقای اصغر فتحی در مجلهء مهر نوشته‏اند1و سفرنامه‏یی نیز از او بنام‏ حیرتنامه باقیست که قسمتهائی از آن در دو شماره از مجله سخن نقل گردیده است‏2و بعلاوه‏ نامه‏هائی هم از او در آرشیوهای وزارت خارجهء ممالکی که او بسفارت بآن کشورها سفر کرده‏ موجود است که می‏تواند مشخص میزان معلومات و نحوهء تفکر و اطلاعات او باشد،از آن جمله‏ چند نامه است که نگارنده ضمن مطالعه برای تهیهء رساله دکترای خود،در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه بدانها برخورد نموده و درج آنها برای نشان‏دادن طرز رفتار و نحوهء تفکر سفرا و رجال دورهء قاجار که هریک از ایشان بنوبهء خو سالها بست و گشود امور و زمام کارهای مملکت‏ و دولت ایران را بدست داشته‏اند بسیار جالب میباشد.

میرزا ابو الحسن خان از سال 1233 تا 1236 قمری(1818-1820 میلادی)سفیر دولت ایران در فرانسه بود(ایلچی بزرگ)و نامه‏هایی که سواد آنها را در اینجا نقل می‏کنیم‏ مربوط به روزهای آخرین سفر اوست.

نامهء اول: به وزیر خارجهء فرانسه آقای مارکی وسل

Marquis Dessolles «ایلچی بزرگ دولت علیه ایران به وزیر دولت بهیهء فرانسه اظهار می‏سازد که ساکت‏ بودم در این مدت،در باب بی‏زبانی و نادانی ترجمانان بقدر طاقت.اولا اینکه یک ترجمان‏ بس بود موسی بیانکی‏3اگر زبان ایرانی نمیداند زبان ترکی را بطوریکه من میفهمیدم میدانست‏ و بهتر بود.موسی دگرانژ4که زبان فارسی را نمیداند و چند کلمه ترکی میداند نیاید.امروز چون روزی بود که هرکس به تماشا میرفت،ایلچی ایران از ایندولت امید داشت که امروز بعزت به این تماشا رفته باشد.موسی دگرانژ گفت دولت اسب بشما نمیدهد و چون دولتین یکی‏ میباشند پول دادم اسب کرایه کنم.گفت ممکن نیست.چون بر من یقین است که شما و دولت، ازین مقدمه خبر ندارید و چند نفر از بزرگان آمده بودند با گاری‏5و اسب که مرا به تماشا برند.مذکور ساختند که دولت از حرفهای موسی دگرانژ اطلاع ندارد.بنابراین لازم شد بشما که دوست من هستید و از شما کمال رضامندی دارم اطلاع بدهم که بدانید بمن چه گذشته است.

(1)-شماره‏های 8 و 10 سال هشتم.

(2)-رجوع کنید.سال ششم صفحات 711-717 و 775 و 779

(3)- Monsieur Bianchi Dada .این شخص همان سروان بیانجی دادا است‏ که جزء هیأت نظامی سرتیب گاردان بایران نیز آمده بود.

(4)- Monsieur Desgranges

(5)-منظور درشکه و یا کالسکه است و چون کلمه درشکه و کالسکه بعدها ار زمان‏ ناصر الدین شاه در ایران رواج یافته نویسنده در نامهء خود آنرا بنام گاری خوانده است.

اما شخصی از اهل فرانسه در این‏جا موجود است که زبان فارسی را خوب می‏گوید.باقی ایام‏ بکام و سلطنت این شوکت پایدار باد بتاریخ نهم آوریل سنه 1891 میسحی 1»

نامهء دوم: بوزیر امور خارجه فرانسه نوشته شده:

دوست،عزیزا،مشفقا،مهربانا.

چون میخواهم مرخصی حاصل نمایم لطف نموده برش‏پرد2و مهماندار مرا تعیین نموده‏ که مرا بسرحد رسانیده باشند.دیگر ژان ژیلومی که یکی از اهل فرانسه میباشد در این مدت‏ توقف خوب خدمت دوستدار را نموده و مردی کارآمد میباشد.از شما توقع دارم که او را در دولت‏ بخدمت چاپاری و قوربر[?]منصب بدهید.زیاده ایام وزارت مستدام باد.3»

نامهء سوم: بوزیر خارجه فرانسه

«دوستان دوستا،مشفقا،عزیزا،کراما،مهربانا.

چون موسی بیانکی تصدیعات مرا کشیده است و نهایت رضامندی از مشارالیه حاصل است‏ میباید از راه محبتی که شما بدوستدار دارید نوعی فرموده که در این دولت روزافزون بر مرتبهء او افزوده شود.چنانچه همین عرض را در هنگام شرفیابی پادشاهی کردم.شما محبت نموده‏ یادآوری و تأکید نمائید که هراینه این مطلب بیشتر باعث خوشنودی و رضامندی این دوستدار از این دولت جاوید مدت است و بر همگنان مشخص شود که عرض و خواهش من از ایندولت بهیه‏ پذیرا شده است.الباقی ایام وزارت مستدام باد.»

\*\*\* ای کاش ما هم یکصد و پنجاه سال دیرتر بدنیا می‏آمدیم و می‏دیدیم ایلچیان بزرگ و کوچک»ما که در حال حاضر در کشورهای«کاملة الوداد»هستند نظیر این‏گونه خودخواهی‏ها را چگونه منعکس کرده و می‏کنند.

(1)-در اصل نامه 1891 ضبط شده و بی‏گمان اشتباه نویسنده نامه بعدد صحیح آن 1819 میباشد(برگ 59 ج 18 اسناد مربوط بایران در آرشیو وزارت خارجه فرانسه(پاریس)- 13 جمادی‏الاخر 1234 قمری.

(3)-منظور Passe-port به معنی گذرنامه است.

(2)-برگ 63 ج 18 اسناد مربوط بایران.

(3)-برگ 61 ج 18 اسناد مربوط بایران.